

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

فقه اسلامی

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَدَةً

مِنْ لَبِّ سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چی (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

جون 2024

ذی العقده/ذی الحجة

شماره سه صد بیستم یکم

حج و عمره تطوع (نفل)

اولاً: خداوند نفل را قبول ندارد تا فرض اداء نشود ، دیده میشود آنانکه برای حج تطوع و عمره یعنی نفل میروند ، در دادن زکات بخیل اند ، برای این گروه حج و عمره قابل قبول نیست ، از اولویت است که در بدل مصرف در حج و عمره مال خود را با دادن زکات پاک سازند و قرض خود را اداء کنند ، حج و عمره نفل قبل از اداء قرض جواز ندارد.

دوم : خداوند نفل را قبول ندارد که انجام به فعل محرم شود ، زیرا سلامت از گناه حرام مقدمتر است از کسب ثواب نفل . تعداد بیشتر حجاج برای اداء نفل ، سبب مشکلات مسلمانان می شوند و مرض و مشقت را برای آنانکه برای اداء حج فرض آمده اند آماده میکنند ، واجب است تا آنانکه حج فرض را انجام داده اند شرایط را برای دیگران آماده سازند.

سوم: جلوگیری از مفسد مقدمتر از جلب مصالح است ، خصوصاً اگر مفسد عمومی باشد . اگر رفتن به حج نفل چند بار ، عامل مفسده برای هزارها نفر می شود و ضرر برای حجاج میرسد ، از واجب است تا این نوع مفسده را منع کرد.

اسلام حج را بالای مسلمانان فرض گردانیده. در فرضیت حج ، استطاعت و امنیت شرط است. استطاعت شامل ، استطاعت مالی ، صحتی میباشد به این معنی که شخص پول کافی داشته باشد و همچنان مریض نباشد و راه نیز امن باشد. پس بالای اشخاصی که استطاعت ندارند حج فرض نیست. حج یکبار در زندگی بالای مسلمان فرض شده.

در این جا سؤال مطرح می شود: آیا در صورتیکه مسلمانان مشکلات صحتی و اقتصادی داشته باشند و حوادث طبیعی هزارها خانه را ویران کرده باشد و هزار جریب زمین تخریب شده باشد حج نفل اهمیت بیشتر دارد یا کمک به فقراء و محتاجین.

علامه مرحوم دکتور یوسف القرضاوی می نویسد: اداء و انجام فرائض دینی خصوصاً آنچه به ارکان دین ارتباط دارد ، مسلمان باید آنرا انجام دهد. حدیث قدسی که امام بخاری روایت کرده ، انسان به عبادات نفل بیشتر به خداوند نزدیک می شود ، با وجود این حدیث قدسی واجب است تا قواعد شرعی ذیل مراعات شود:

احتمالات طبیعی که ممکن حیات انسان را به خطر اندازد می‌کند.

زلزله و سیلاب در لیبیا و مراکش خسارات بزرگ اقتصادی و بشری را در پی داشت، نشان می‌دهد که فقه واقع و آماده‌گی برای مصیبت‌ها که نازل می‌شود در مراکش و مغرب نبود.

مسئولین در مراکش و لیبیا اعتراف نمودند که انتظار و پیشبینی برای زلزله و سیلاب را نداشتند، به معنی دیگر در وظیفه خود دولت بی‌توجه بود.

الریسونی مسئولین و تمام مردم را متوجه گرفتن درس از زلزله مراکش و سیلاب‌های لیبیا می‌کند و می‌گوید

که انسان توقع همچو حوادث را باید داشته باشد و پیش‌آمد‌ها را نیز متوجه بود و برای آن آمادگی گرفت. تفکر برای آینده را قرآن کریم در این آیه کریمه بیان می‌کند: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله إن الله خبیر بما تعملون» (حشر: 59).

ای اهل ایمان، از خدا بترسید و هر نفسی نیک بنگرد تا چه عملی برای فردای خود پیش می‌فرستد، و از خدا بترسید که او به همه کردارتان به خوبی آگاه است. لتنظر نفس ما قدمت لغد، یعنی انسان برای فردا تفکر و نظر اندازد، فردا معنی آینده را افاده می‌کند.

تفکر و نظر انداختن برای فردا واجب است و باید بشکل دائم حاضر و حال باشد. توقع داشتن و آماده بودن برای تمام احتمالات مهمترین درس از زلزله مراکش و سیلاب لیبیا می‌باشد.

چهارم: ساحه و میدان تطوع به خیرات بسیار بزرگ و وسعت دارد، مانند صدقه برای فقراء و اقارب و غیره امور خیریه.

مصرف کردن در جمعیت‌های دینی، مراکز اسلامی، مدارس قرآنی، مؤسسات اجتماعی و فرهنگی که با اساس اسلام تأسیس شده است بهترین صدقه می‌باشد. برنامه‌های زیاد در جهان اسلام است که تکمیل نشده و ضرورت به صدقه دارد.

تأسیس صندوق حج

مرحوم القرضاوی تأسیس صندوق حج را پیشنهاد می‌کند. هدف از تأسیس صندوق، گذاشتن مصارف حج و عمره نفل و استفاده از آن برای بهبود وضعیت فقراء مسلمین می‌باشد.

هموطنان گرامی از داخل افغانستان و خارج آن که حج فرض را انجام داده‌اند، بهتر است مصارف حج و عمره نفل را امسال به متضررین سیلاب‌ها اختصاص دهند. دولت حق دارد مانع رفتن به حج دوم و عمره شود. مصارف حج تطوع و عمره بهتر است در صندوق گذاشته شود و در تعمیر منازل و اصلاح زمین‌های زراعتی از آن استفاده شود.

عدم توجه به فقه واقع و عدم توجه به حوادث

بزرگ طبیعی

{ این تحقیق ما را به حقائق سیلاب‌ها اخیر بهتر آشنا می‌کند }

دکتور احمد الریسونی، رئیس سابق اتحاد بین‌المللی علماء اسلام و عالم در فقه مقاصد، عرب و مسلمانان را دعوت به احیاء «فقه واقع» و گرفتن استعداد در مقابل

مردم پیش آمده. فقه مرحله با در نظر داشت تغییرات از علماء می خواهد تا علم کامل به نصوص و قواعد و مقاصد شریعت و فتوا های فقهی و اجتهادی که متعلق به مرحله معاصر بصورت مستقیم و غیر مستقیم وارد میکند است. مرحله جدید و معاصر بررسی احکام شرعی را از فقهاء و دانشمندان می خواهد تا با حسن استدلال و اجتهاد و فهم و نظر ثاقب به تنزیل و تفعیل مطالعه نمایند و فقه را با مرحله یکجا سازند و یکجا مطالعه نمایند. علم به فقه مرحله فوائد زیادی، نظری، علمی، اجتماعی، انسانی، تربوی، دعوتی و تبلیغاتی و مطبوعاتی دارد.

عدم علم به فقه مرحله تطبیق احکام اسلامی و شریعت را به تعویق می اندازد و نتایج آن منفی و به ضرر جامعه تمام میشود. عدم مراعات فقه مرحله مؤسسات اجتماعی را تخریب می نماید، عدم فهم و علم به فقه مرحله صلاحیت نصوص شرعی را متضرر می سازد و قابلیت تطبیق شریعت را در ازمنه مختلف ناممکن می سازد. علم به فقه مرحله، علم به مقاصد شریعت است و عاملین در نظام با فهم و ادراک صحیح از فقه مرحله قادر به تطبیق شریعت اسلامی شده؛ توازن را در جامعه و تطابق را بین واقعیت های معاصر و شریعت آماده می سازد.

{ برای مطالعه ای بیشتر مراجعه شود: فضل غنی مجددی، شریعت اسلامی و قابلیت تطبیق در عصر حاضر.}

آیا زلزله عقاب الهی یا حادثه طبیعی است؟

دکتر سعد الدین العثماني صدراعظم اسبق و رئیس نهضت اسلامی مراکش در این مورد می نویسد:

بعد از زلزله مراکش صدا ها بلند شد و زلزله را عقاب یا جزاء الهی وبلا برای معاقبت گناهان و

علما و فقهاء کوشش کردند و فقه توقع را به هدف پیش آمد مصیبت و واقعات غیر مترقبه ترتیب کردند، متفکرین و فلاسفه فقه توقع را وسعت بیشتر دادند و اصطلاح پیش بینی و برنامه سازی را برای آینده انتخاب کردند. استاد مهدی المنجری نظریات مهم را برای گذشته و حال و آینده ترتیب تدوین نمود.

فقه توقع در عصر حاضر مهمترین حاصل عمل فقهاء معاصر میباشد، متأسفانه این فقه و فقه حال در اکثر جوامع اسلامی مورد توجه علماء و دانشمندان و حکومت ها و مردم نیست و اکثر واقعات طبیعی که خسارات بزرگ را بجا میگذارد آنرا ارتباط به قسمت و نصیب می دهند و عدم آمادگی و پیشبینی را بحث نمی کنند.

فقه مرحله

فقه مرحله بحث جدید و معاصر و علم جدید در بین علوم شرعی میباشد. فقه مرحله مرکب از دو کلمه: فقه و مرحله است به این معنی که مرحله با فقه اضافه می گردد. فقه مرحله بیانگر احکام و سائر امور که تعلق به نصوص و قواعد و مقاصد شرعی و فتوا های فقهی و حل اسلامی دارد است. فقه علم به واجب و مندوب و حرام و مکروه و مباح و حلال؛ به عبارت دیگر معرفت به حکم عملی شریعت میباشد. الموسوعة الفقهية الكويتية، 193/32.

اما مرحله عبارت از زمان معاصر است که ما در آن زندگی داریم، جامعه که اساسات و خصوصیت ها و مشکلات و امکانات آن تغییر نموده. مهمترین خصوصیت این مرحله، انتقال به مرحله جدید و مشکل و پیچیده است که بی نظمی را در جامعه خلق کرده و آزادی، تعدادی را بوجود آورده است. در روشنی تغییرات جامعه، تعریف فقه نیز تا حدی تغییر میکند. فقه مرحله یعنی علم به احکام مرحله جدید با توجه به تمام تغییرات که در زندگی

بخوانید و دعا کنید تا این وضعیت بر طرف گردد. به روایت دیگر، نماز بخوانید و صدقه بدهید و تکبیر بگویید.

در مورد مصائب که انسان بدان مواجه میشود حدیث مبارک به دو موقف اشاره می کند: موقف اول، موقف موضوعی، دنیوی، این آیات اقدار ربانی است، دارای سنت (روش) و عوامل میباشد و احتیاج به علم و معرفت، و گرفتن به اسباب و احتیاط دارد. این حوادث آیات کونی میباشد که مسلمان و غیرمسلمان، دیندار و غیردیندار بدون تفریق به آن مواجه میشوند، و در اصابت آن انسان با اختلاف عقیده و دینداری و نژاد جنسیت و غیره متضررمی گردد.

موقف دوم، موقف ایمانی، میخواید که فرصت را استفاده کرد به یاد خداوند و عظمت او تعالی و واجب حق الله شد، و پناه بردن به ذکر و دعا و عمل صالح شد.

ضرورت تفاوت و تمیز بین دو موقف میباشد تا انسان غلو در یکی از این دو موقف به حساب دیگر آن نکند. مانند تفاوت بین توکل و توکل. اول یعنی توکل، میزان بین گرفتن به اسباب و اطمینان به الله و رضا به قضاء و قدر الله، در حالیکه در دوم یعنی توکل، به عدم اهتمام به اسباب و استعانت به آن میباشد. و این دو موقف متوازن یکی از دو معنای آیه کریمه را بیان و نشان میدهد: «و نرسل بالایات إلا تخویفا» (الاسراء: 59). و ما معجزات و آیات را جز برای آنکه (مردم از خدا) بترسند (و هدایت شوند) نمی فرستیم. را نشان میدهد.

یعنی متوجه ساختن مردم و اشاره به معصیت خداوند و دعوت برای توبه، این حوادث در اینجا ارسال کونی قدری است، اگر سنت الله در کائنات

معصیت که انسان مرتکب آن شده نسبت دادند، بنظر من، این نشانه سوء فهم از نصوص قرآن کریم و سنت و سوء فهم از طبیعت آسیب و آفت های طبیعی و حقیقت آن میباشد.

اولاً: ادعا کردن که زلزله عقاب الهی بود یعنی بستن اتهام به خداوند. این مورد فقط در علم خداوند است، از کجا مردم دانستند این موضوع را، یعنی زلزله عقاب الهی بود؟ اضافه از این چنانکه بعداً می بینیم که این ادعاها مخالف یک تعداد از دلالت های ثابت شرعی و معرفت واضح بشری است.

ثانیاً: این حکم توهین به هزارها شهید و زخمی است که هیچ گناه را مرتکب نشده بودند که در اثر آن زلزله واقع شد، باید مشکلات و مصیبت شانرا تخفیف داد، نه اینکه با مخاطب ساختن شان که زلزله نتیجه معصیت و گناهان شان بود درد و مصیبت شانرا اضافه نمود.

ثالثاً: واجب است تا در بدل اینکه مردم را مسئول دانست، باید با ایشان همکاری کرد و دست شانرا گرفت و در علاج شان کوشید، و معلومات از زلزله را به علماء جیولوجی گذاشت تا حقیقت آنرا توضیح دهند.

زلزله آیه ای از آیات الله است

امام بخاری روایت میکند که نبی الله صلی الله علیه وسلم گفت: «إن الشمس والقمر آیتان من آیات الله لا یخسفان لموت احد و لا لحياته، فإذا رأیتم ذلك فاذکروا الله» و در روایت دیگر «فإذا رأیتم ذلك فادعوا الله و کبروا وصلوا و تصدقوا». خورشید و ماه دو آیه از آیه های خداوند هستند که با آنها بندگانش را می ترساند؛ و این دو هرگز به سبب مرگ شخصی خسوف نمی کند؛ پس هر گاه با چنین مواردی مواجه شدید نماز

خطا می باشند و طبیعت هر دو را تمیز و فرق کرده نمی توانند.

عقوبت شرعی به دلیل گناه که انسان به بلاء مصاب می شود، این امر ممکن نیست مگر به نص صریح.

اما در بلاء که نصوص در مورد آن نباشد، اصل این است که آیات و احادیث بسیار است که عقوبت گناه در آخرت است نه در دنیا، و احادیث که بعضی به آن استدلال برای اینکه سبب بلاء گناه است یا ضعیف است و حجت نمی باشد، و یا اینکه در غیر معنی صحیح استنباط می گردد، و مخلوط ساختن بین عقوبت دنیوی و عقوبت کونی قدری است.

عقوبت کونی زمانی پیش می آید که انسان مقتضیات، ضروریات، سنن کونی را مراعات نکند، یا از نادانی و یا از ناتوانی و یا ظلماً، در این حالت مصیبت و افات برای انسان میرسد، مثلاً اگر انسان به اسباب مرض مواجه شود، مریض میشود، و اگر به اسباب وقایت اتکاء کند مریض نمیشود و دیگر امور بهمین ترتیب.

حوادث که انسان به آن مواجه می گردد، حدیث فوق دو موقف را اشاره می کند.

موقف اول، موقف موضوعی، دنیوی، حکم می کنند که حوادث آیات ربانی است، و سنن و عوامل خود را دارد، این نوع حوادث و مصیبت ها احتیاج به علم برای معرفت دارد، و گرفتن به اسباب و احتیاط، این آیات کونی است که مسلمان و غیر مسلمان، دیندار و غیر دیندار، بدون در نظر داشت قوم و نژاد و بدون تفاوت و فرق همه به آن رو برو می شوند.

موقف دوم، موقف ایمان است، حکم می کند که استفاده از فرصت برای ذکر عظمت الله و واجب در حق الله، و برگشت به ذکر و دعاء و عمل صالح تعداد کثیر از مردم نتوانسته اند بین این دو توازن را حفظ

بخواید که حوادث صورت و واقع گردد، واجب بالای مؤمن است تا درس عبرت گرفته و شعور به عظمت الله و سرعت برای طاعت کند. بسیار از مردم نتوانسته اند بین دو مستوی، معادله و توازن را حفظ کنند.

بلاء

تعداد کثیر از مردم فکر می کنند که بلاء همه اش نوع واحد است، بلاء انواع و سویه های مختلف دارد. نوع اول آن بلاء است که برای انبیاء و اتباع شان می آمد. حدیث صحیح در این مورد است: «أشد الناس بلاء الأنبياء ثم الأمثل فالأمثل، یبتلی الرجل علی قدر دینه» شدید ترین مرد مبتلی به بلاء انبیاء و بعد از ایشان مثل شان و مثل شان، انسان بقدر دین خود مبتلاء به بلاء میشود. ابتلاء برای بندگان کفاره گناهان و محو سیئات است و انبیاء و عباد الله صالحین بیشتر به بلاء مبتلاء می شوند.

ابتلا رسل قبل از بعثت شان، آماده کردن و محیاء ساختن سویه شان برای گرفتن رسالت بود، و بعد از بعثت تکریم و رفع درجات شان و این بلاء عقاب به سبب گناهان شان نبود.

بلاء برای امتحان

نوع دوم بلاء، عمومی که بالای مؤمنین به منظور امتحان ایمانی است. خداوند در این مورد می فرماید: «و نبوکم بالشرو والخیر فتنه، و إلینا ترجعون» (انبیاء: 21). و ما شما را به بد و نیک و خیرات و شرور علام مبتلاء کنیم تا شما را بیازماییم و (هنگام مرگ* به سوی ما بازگردانده می شوید).

حوادث زندگی و مصائب مانند مریضی و حوادث مصیبت بار و مشکلات همه امتحان است. و بلاء پاک کننده گناهان مؤمن میباشد.

یک نوع بلاء عقوبت است

درجه سوم، بلاء ممکن است عقوبت یا شرعی دینی، یا کونی قدری باشد، و بسیار از مردم در عدم تفریق آن در

سنن کونی و یا عاجز بودن؛ اگر انسان سنن کونی را به سبب جهل و عجز فراموش کند، آفت دامنگیر او می شود. اگر انسان به اسباب مرض، مریض می شود، و اگر خود را وقایت کرد مریض نمی شود و به همین ترتیب همه امور زندگی، علم سبب تسخیر سنن کونی است، و بقدر مسلحه بودن به علم انسان تفوق بالای سنن کونی می باشد. این امر احتیاج به عقلیت علمی و قدرت برای کشف سنن و فهم آن و تسخیر آن می باشد.

میتوان یک حدیث شریف را در این مورد آورد: رسول اکرم صلی الله علیه فرمودند: «لا تقوم الساعة حتی یقبض العلم و تکثر الزلازل؛ و یتقارب الزمان، و تظهر الفتن، و یكثر الهرج - و هو القتل - حتی یكثر فیکم المال فی فیض».

حدیث اشاره به مشکلات اجتماعی و سیاسی می کند که امت را به انهیاری و نابودی نزدیک می کند. مقصود به ساعه، ساعت امت است، نه ساعت فناء عالم یعنی قیامت.

علامات که در حدیث ذکر شده ممکن در هر ملت از ملل و تمدن باشد، که اسباب ضعف و انهیاری را آماده کند، و رجحت در قول رسول الله: «تكثر الزلازل» زلزال جوامع است، مانند بی ثباتی سیاسی، اجتماعی، نه زلزال طبیعت. علماء همین معنی را ذکر کرده اند و ابن رجب الحنبلی مثلاً می گوید: زلزال معنوی، یعنی کثرت فتنه و غیره. زلزله اخیر مراکش و سیلاب لیبیا در آن درس بزرگ است و باید انسان توبه کند و در خدمت مصیبت زده گان باشد و دست همکاری را با مصیبت زده ها بلند کند.

عربی 21 / 18 سپتمبر 2023

و فیصله مجلس دارالافتاء اروپا در مسأله ازدواج

عرفی

(غیر ثبت شده در دفاتر رسمی)

کنند، یک گروه تنها به مسأله قدری دنیوی به آن نظر می اندازد و عالم با استفاده از علم آنرا تحقیق و تفسیر می کند، و میتواند تحکم در اکثر آن داشته باشد، این گروه جوانب حکمت از وقوع حوادث و خالق آنرا از نظر دور میداشته باشند و تنها به وسائل مادی و تجربه های انسانی حکم می کنند.

در طرف دیگر گروهی فقط به جوانب معنوی و ایمانی به قضیه نظر دارند و جانب قدری دنیوی را مد نظر نمی گیرند.

بلاء که عقوبت به حساب می آید

این نوع سوم بلاء است که ممکن است عقوبت شرعی و یا دنیوی باشد، و یا عقوبت کونی قدری. و بسیار از مردم در عدم تفریق بین هر دو در خطا اند.

اما عقوبت شرعی دینی، باین معنی که انسان معاقبت می شود به سبب گناه و به بلاء گرفتار میشود، این نوع عقوبت ممکن نیست که واقع شود مگر به نص صریح،

مثل که برای نبی الله حضرت یونس بن متی پیش شد •

اما در غیرنصوص، اصل که آیات و احادیث بشمار در عقوبت بخاطر گناه است زیاد می باشد و در مجموع عقوبت را در آخرت نسبت میدهند نه در دنیا، احادیث که در مورد عقوبت در دنیا ذکر میشود با ضعیف است و یا اینکه حجت نمی باشد و یا بغیر معنی صحیح استفاده شده است.

اما عقوبت کونی قدری، عقوبت است که مطابق به سنن الله و قوانین آن در کائنات و اجتماع بشری. این نوع زیاد در قرآن کریم و سنت نبوی ذکر شده، و مقاصد قرآن کریم هوشدار برای قیام کائنات و اجتماع بشری با اساس سنت مضبوط و مستقر است: و لن تجد لسنة الله تبديلا و لن تجد لسنة الله تحويلا. دز روش های خداوند تبدیل و تحویل نیست.

مسلمان باید مسلح با علم به سنن باشد تا آن را به عبادت خداوند و خیر و سعادت بشر استعمال نماید.

عقوبت کونی زمانی پیش می شود که انسان مقتضایات سنن کونی را مخالفت کند، آیا به سبب جهل و نادانی به

علیه وسلم فرمودند « الرجل فی أهله راع و هو مسئول عن رعیتة، و المرأة فی بیت زوجها راعیة و هی مسئولة عن رعیتها » (متفق علیه: اخرجہ البخاری (رقم 2278 و مواضع آخری) و مسلم (رقم 1829)، از حدیث عبدالله بن عمر). مرد در خانواده اش راعی « سرپرست » است و مسئول از رعیت « زیر دستان » خود میباشد، زن در منزل شوهر راعیه است و مسئول از زیر دستان یا رعیت خود میباشد. {حدیث شریف مسئولیت را بین زن و شوهر مشترک می سازد}

حکم شرعی در مورد سخن گفتن بین دو جنس (زن و مرد) در صفحات اجتماعی

سؤال: ما حکم شریعت از گذاشتن عکس در فیس بوک؟ و ما حکم محادثه (سخن گفتن) بین مردان و زنان در فیس بوک؟ اگر گفتار متعلق به معرفت یافتن به نیت ازدواج باشد، آیا اجازه است یا خیر؟ و بخصوص مواضع متعلق به امور پسندیده مثل تنظیم محافل خیریه مثلاً.

جواب:

استعمال وسائل تواصل اجتماعی بشکل عمومی، در اصل امر مشروع است، در صورتیکه هدف از استعمال آن مشروع و وسیله آن نیز مشروع باشد، باید در استفاده از وسائل تواصل اجتماعی ضوابط شرعی و اخلاقی مراعات شود، مثل صدق و دوری از نشر معلومات غلط و نشر اخبار نا درست و غیر صحیح و هر آنچه نتیجه آن توهین و اهانت به دیگران و نشر فتنه بین مردم باشد. اما نشر عکس یا فوتو، اگر نمایش از عورت باشد جواز ندارد، و اگر اینطور نباشد توجه بیشتر برای نشر آن لازم است، زیرا ممکن است بعد از نشر آن تحکم در استفاده آن نباشد.

اول: مقصد از ازدواج عرفی: ازدواج عرفی، ازدواج شرعی است که ارکان و شروط آن تکمیل میباشد، اما در دفاتر رسمی ثبت نشده است.

دوم: مجلس توصیه می کند که نباید به عقد ازدواج عرفی و عقد مدنی اکتفاء کرد، بلکه بین هر دو جمع نمود: زیرا اکتفاء به عقد عرفی ممکن است سبب ضیاع حقوق یکی از اطراف عقد به سبب عدم ثبت گردد، و از جانب دیگر در عقد مدنی بعضی ارکان و شروط شرعی اخلاص بوجود می آید، و آثار آن مخالف ظاهر شرع میباشد.

سوم: اما جمع بین هر دو عقد (عقد عرفی و مدنی) بدون اینکه موافق به احکام و آثار آن باشد در آن حرج نیز است، زیرا در وقت اختلاف مشکل بین عقد عرفی و مدنی پیش می آید.

قرار 94 (4/20)

منع همسر از اشتراک در تجلیل به اعیاد دینی

سؤال: من زن عیسوی هستم و با مرد مسلمان ازدواج کرده ام، و پسر به عمر 3 ساله داریم، در موضوع احتفال و تجلیل از مراسم مسیحیت باهم اختلاف پیدا کردیم، من می خواهم تجلیل کنم، اما شوهرم بعد از 5 سال دفعتاً مخالفت می کند. حکم اسلام در این مورد چیست؟

جواب: شوهرت راضی بود که با تو با اختلاف دین ازدواج کند، از حق او (شوهر) نیست که شما را از خصوصیت های دینی تان منع کند و تجلیل ضمن خصوصیت های دینی است، خصوصاً اگر محافل در بین روابط خانواده و بین شما و خانواده شما و اقارب و دوستان شما باشد، اما بیک شرط که این محافل حق شوهر و اولاد را متضرر نکند و ضرر برای شخص شما نرسد، حفظ خانواده مقدمتر از مناسبات است، نصیحت ما این است که با تفاهم بین خود در آنچه اختلاف دارید به حل آن برسید، و دلیل برای تفرقه و اختلاف نگذارید، و با حب و رحمت با یکدیگر معامله داشته باشید، شما والدین طفل هستید و مسئولیت مشترک برای تربیه اولاد دارید، رسول اکرم صلی الله

دیون معجل و مؤجل در معاملات مدنی و تجارتي سابق فرق دارد، دائن در معاملات خرید منزل غالباً بانک است و بانک قبل از معامله قرض امکانات تادیه اقساط را با کریدت خریدار خانه تحقیق می کند و از این لحاظ مطمئن می شود، و نیز مدت اقساط چنین قرضه ها به سالهای متمادی تا حدود سی سال میرسد و عواقب تأخیر اقساط و یا عدم امکات تادیه اقساط نیز در قوانین و مقررات و قرار داد های مربوط تنظیم شده است. چنین معامله قرض بیرون از چوکات مقررات و قرار داد هیچگاه مانع تصرفات حقوقی و آزادی مدنی شخص مدیون نمی شود و معقول نیست که مدیون در خلال سی سال سفر نکند و وجائب دینی و مدنی او کاملاً وابسته به همین قرضه باشد.

به ارتباط حج شخص مدیون به قرضه خانه می تواند اقساط مربوط به مدت رفت و آمد سفر حج و تنظیم امور مالی و اقتصادی خود را قبل از تأمین زاد و راحله حج ضم احتیاجات اصفلی و ضرورت های اقتصادی خود بسازد، هر گاه بر علاوه آن، زاد و راحله (مصارف حج) میسر گردد و سفر حج موجب تأخیر اقساط و اخلاص ضرورت های اقتصادی در همان مدت حج و در خلال همان سال معین نگردد، شخص می تواند فریضه حج را اداء نمایند.

پروفسور دکتور عبدالستار سیرت /

Fazl Ghni Mogaddedi
201 Washington Blvd # 104
Fremont, ca 94539
U.S.A
T510-673-5264
9799489- 510
islaminfo,one
aamo-usa.com

اما معرفت به نیت ازدواج در شبکه های اجتماعی انترنت، قبلاً مجلس باین مورد جواب به مباح بودن داده بود اما بشروط و ضوابط {فتوی 105 / 17/3} و لازم است توجه بیشتر در این مورد باشد، تا به سبب آن فساد بوجود نه آید.

مانع در گفتار و سخن بین ذکور و اناث در موارد جائز مثل قضیه های علمی و فکری و سیاسی، مثل برنامه های خیریه و غیره وجود ندارد زیرا این موارد مشروع و در آن ضرر متوجه نیست، البته با قواعد اداب و اخلاق. {فتوی 126 (22/2)}

دکتور القره باغی (رئیس اتحاد بین المللی علماء اسلامی) از زلزله که در عهد سیدنا عمر واقع شد یاد میکند و میگوید که عمر گفت: اگر بار دیگر این امر (زلزله) تکرار شد، از این زمین خارج شوید، و این گفتار خلیفه دلالت بر این دارد که دولت مکلف است تا بقدر توان کوشش برای تقلیل یا کم ساختن خساره مردم در این سنت (سنت زلزله) کند.

القره باغی می گوید: واجب علماء دین در اثر زلزله ضرورت بیان حقایق، و در جمله حقایق این زلزله است، و مردم را ملامت نسازند، بل به مردم نزدیک شوند، و مهربان با مردم باشند و مردم را با اموال و کوشش ها و حضور فعال خود همکاری نمایند، بعد از این فتوا صادر کنند مثلیکه اتحاد بین المللی علماء مسلمین انجام داد.

رئیس اتحادیه بین المللی علماء مسلمین از اصدار ده فتوا و در جمله آن، دادن زکات و صدقات برای قربانیان زلزله، تعجیل زکات (کشیدن زکات قبل از موعد آن) و تشویق کشورها برای اداء وجایب شان خصوصاً وجایب شرعی شان.

کسیکه خانه خریده و قسط می پردازد، حج کرده می تواند؟ به عبارت دیگر قرضدار از بانک میتواند حج کند؟
 خرید خانه به اقساط طولانی در حالیکه معامله با قرض گفته میشود و صاحب خانه مدیون است، اما این دین با